

## تولد سرخ‌ترین گل محمدی

ساعت‌هاست که گنجشک‌ها به آوازخوانی مشغولند. قرار است خبر خوشی در جان جهان منتشر شود...



### تولد سرخ‌ترین گل محمدی

ساعت‌هاست که گنجشک‌ها به آوازخوانی مشغولند. قرار است خبر خوشی در جان جهان منتشر شود؛ خبری که تا انتهای عالم ریشه می‌دواند و هر دلی را منقلب می‌کند. خبری شیرین که موجب آفرینش گل‌های لاله خواهد شد. خبری که نخل‌های کهنسال وعده وقوعش را داده بودند. خبری که با شنیدنش علف‌های هرز می‌خشکد و بادهای مسموم آواره صحرای می‌شود.

ناگهان با شوق پنجره‌ای چوبی باز می‌شود، فرشته‌ای رو به آسمان #&171;کِل» می‌کشد، صدای دنواز موسیقی باد در کوچه‌های منتظر تکثیر می‌شود و رایحه‌ای خوش فضا را معطر می‌کند. آرامشی از جنس یک صبح بهشتی بر خانه گلی علی(ع) و فاطمه(س) خیمه می‌زند و صدای گریه شورانگیز نوزادی، لبخندی شگفت بر لب‌های رسول عشق و مهربانی می‌نشانند.

زمین گاهواره می‌شود برای نوزادی که زیبایی‌اش به هیچ گلی مثال زدنی نیست.

فرشته‌ها برای تبرک، بال‌های خویش را به گاهواره‌اش می‌سایند و صدای زمزمه ملکوتی لای لای #&171;میکائیل» در فضای خانه طنین می‌اندازد.

### ای سرخ‌ترین گل محمدی!

هر روز، روز تولد توست و هر گلدانی محل رویش تو.

در روز میلادت 72 شقایق در تشنه‌ترین قطعه زمین رویید، درهای آسمان گشوده شد، پنجره‌های بهشت به روی خاکیان چشم گشود و زمین به قدر همه ستاره‌ها جوان شد.

نخستین بار در روز تولد تو عشق دیده شد و کربلا پاگرفت؛ اما از آن روز، هر رودی که بر خاک جریان یافت، سر به زیر شد.

### ای شگفت‌ترین انسان آفرینش!

هنوز بعد از هزار و چند سال، روز میلادت که می‌شود شوقی شگرف در آسمان دل قد می‌کشد و بهار دامن پر از شکوفه‌اش را بر سر مردم می‌تکاند.

شاعران سر از پا نمی‌شناسند و زیباترین غزل‌هایشان را به تو تقدیم می‌کنند.

### حالا آن سوتر را ببین!

هنوز بیرق نامت بر شانه‌های باد در اهتزاز است.

عبدالرحیم سعیدی راد / جام‌جم